

تبیین الگوی برای نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی

محمد رضا مرادی^۱؛ محمد فرج‌اله‌زاده^۲؛ مجتبی نادری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۹

چکیده

نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی، با توجه به ماهیت پیچیده و رفت‌وبرگشتی پدیده‌های سازمانی و مدیریتی، مستلزم شناسایی فرایندها و تبیین‌های اثرگذار بر آن برای دستیابی به روشی مناسب است. بدین منظور، هدف پژوهش حاضر دستیابی و ارائه الگوی نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی کشور با شناسایی و تعیین عناصر و مؤلفه‌های مهم و تاثیرگذار بوده است. پژوهش حاضر که از نوع کاربردی و توسعه‌ای است، با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی، تحلیل کمی و کیفی و ابزار گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی، فرایندها و تبیین‌های اثرگذار بر نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی در جمهوری اسلامی ایران شناسایی و رتبه‌بندی شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهر تهران می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد ابعاد مؤثر نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی عبارتند از: «مفهوم‌سازی»، «تدوین چارچوب مفهومی»، «آزمون روابط میان عناصر»، «تخلیص نتایج و تحلیل آن‌ها»، «استخراج چارچوب مفهومی برای تدوین نظریه» و «نوشتن نظریه».

کلیدواژه‌ها: نظریه‌پردازی، تجربیات، مدیران راهبردی.

۱. دانشجوی دکتری رشته مدیریت راهبردی دانش دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی و

نویسنده مسئول (رایانامه: mr.moradi43@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

۳. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

مقدمه

در مستندسازی تجربیات هر چند که دانش به اشکال کاربردی و قابل دسترس تبدیل می‌شود ولی با توجه به ماهیت پیچیده و رفت‌وبرگشتی پدیده‌های سازمانی و مدیریتی، استفاده صرف از این تجربیات چندان مناسب و قابل اطمینان نیست و بهتر است این تجربیات تئوریزه و به عبارتی مورد نظریه‌پردازی قرار گیرد. نظریه، پیشرفته‌ترین و با ارزش‌ترین دانش موجود است که قادر به تعمیم بوده و برای بسیاری از موقعیت‌ها به کار برده می‌شود و به افراد در زمینه تجزیه و ترکیب اطلاعات، سازمان‌دادن مفاهیم و اصول، کمک کرده و عقاید جدید، ارتباطات و حتی موارد خاص درباره آینده را پیشنهاد می‌کند. به بیانی دیگر، موضوع علمی کردن یا همان نظریه‌پردازی تجربیات از اهمیت بالایی برخوردار است. از سویی دیگر، نظم نوین اقتصاد جهانی، تولید علم و نوآوری مبتنی بر دانش و بهره‌برداری مطلوب از آن را مزیت راهبردی استمرار و بقای نظام‌های اقتصادی و اجتماعی می‌داند و کشورهای در حال توسعه اقتصادی را به تولید دانش و گردش آن و بهره‌برداری از آن در خدمت اهداف توسعه، ترغیب و وادار نموده است و با توجه به این موضوع است که امروزه مفاهیمی مانند تولید علم، نظریه‌پردازی و نهضت نرم‌افزاری در ادبیات کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است، به طوری که نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری اذهان تمام سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور علمی و پژوهشی کشور را به خود مشغول نموده و در جای‌جای مستندات علمی و برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز و افق‌های آرمانی کشور ارتقاء تولید علم و احراز جایگاه نخست علمی هدف‌گذاری شده است. از آنجائی که نظریه‌پردازی برای تولید و پیشرفت علم از اهمیت بالایی برخوردار است و یکی از روش‌های تولید علم از طریق نظریه‌پردازی تجارب ارزنده‌ای است که در حین انجام طرح‌های راهبردی توسط مدیران به دست می‌آید و نظر به اینکه تاکنون مطالعاتی به صورت کامل و هدفمند پیرامون نظریه‌پردازی تجربیات مدیران در کشور صورت نگرفته و این موضوع باعث شده که این تجربیات به صورت علمی در کشور تقریباً ناشناخته و بلااستفاده باقی بمانند و امکان بهره‌برداری از این تجربیات میسر نگردد، دلیلی بر تمایز و نوآوری این پژوهش با پیشینه‌های خود است که می‌تواند زمینه‌های علمی آینده را نیز به ارمغان آورد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر دستیابی و ارائه الگوی نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی کشور با شناسایی و تعیین عناصر و مؤلفه‌های مهم و تاثیرگذار بر این حوزه از نظریه‌پردازی در کشور است. بنابراین مسئله این پژوهش تمرکز بر پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی در ایران کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه

نظریه‌ها نقش محوری در حل مسائل هر علمی، از آن جمله علم مدیریت، دارند. در واقع نظریه پاسخ به مسأله‌ای است که در مواجهه با واقعیتی و در قلمروی خاص رخ داده است. اما اینکه نظریه چیست و ماهیت آن کدام است، رویکردهای مختلفی به آن شده است که از تجربه‌گرایی محض تا ایده‌آل‌گرایی، طیف وسیعی را دربر می‌گیرد (امیری، ۱۳۸۱). نظریه به گزاره‌های انتزاعی گفته می‌شود که بخش قابل ملاحظه‌ای از دانش علمی را چه در قالب مجموعه‌ای از قوانین به صورت فرایند سببی شامل می‌شود (رینالدز، ۱۹۷۱: ۱۱-۱۰). تئوری ممکن است به‌عنوان دانش و بیانیه‌ای که به یک مجموعه اتفاقات، معنای عملی داده و شکل تعریف را به وجود آورده، ساختار عملی، فرضیه، اصول مسلم، فرض‌ها، تعمیمات، قوانین یا قضیه‌ها را مطرح می‌سازد، گفته شود. هدف پژوهش‌ها نیز ایجاد و انشای تئوری است. تئوری مجموعه‌ای است از تعاریف، مفاهیم، قضایا و موضوعاتی که رابطه‌ی بین متغیرها و پدیده‌ها را به‌طور منظم و مرتب بیان می‌دارد و به‌عبارتی ساده‌تر می‌توان گفت تئوری رابطه‌ای بین پدیده‌های کشف شده را مطرح می‌کند. علم = تئوری = فرضیه آزمون شده (خلیلی‌شورینی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۴). به سخنی دیگر، مجموعه به‌هم پیوسته و نظام یافته‌ای از گفتارها را که بیانگر بخشی از واقعیت باشد نظریه می‌نامند (رفیع‌پور، ۱۳۷۴: ۹۳). نظریه‌های علمی، گزاره‌های کلی‌اند و همچون همه نمودارهای زبان‌شناختی، آن‌ها نیز دستگاه‌هایی از علائم و نمادها هستند. نظریه‌ها دام‌هایی هستند که ما گسترده‌ایم تا جهان را صید کنیم و به عقلانی کردن و توضیح دادن و مستولی شدن بر آن توفیق یابیم (پوپر، ۱۳۷۲: ۶۳). نظریه‌ها اموری مجردند که از امور جزئی و عینی جهان خارج که محدود به زمان و مکان هستند، انتزاع شده‌اند (الکساندر، ۱۹۷۸: ۱). توسلی معتقد است که نظریه، حکم یا بیان ویژه‌ای است که به ما می‌گوید چگونه و چرا واقعیات ویژه‌ای با یکدیگر در ارتباطند. به‌عبارتی دیگر نظریه، هم‌نگری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد (توسلی، ۱۳۸۸: ۵).

نظریه یک جمله خبری است که شناختی را درباره‌ی یک پدیده از طریق تجرید و تبیین به وجود می‌آورد و در چارچوب سازوکار تعمیم، قدرت پیش‌بینی و کنترل ایجاد می‌کند. حاوی شرایط، خصیصه‌ها و شواهدی شناخته می‌شود که پدیده و مسائل مرتبط با آن را به تصویر می‌کشد. نظریه امکان دستیابی به هدف، ساختار، فرایندها، سازوکارها و عملکرد پدیده را فراهم می‌آورد. از

این‌رو، تولید نظریه، گرچه هدف ابزاری تولید و نیز دستاورد آن است لیکن علم هم مبتنی بر مجموعه نظریه‌ها، فرضیه‌ها، قضایا، مدل‌ها، اصول مسلم و فروض است که تولید شناخت می‌کند. نظریه‌ها، ابزارهای شناخت تلقی می‌شوند. این شناخت بنیان نگرش به پدیده‌ها و محیط اطراف آن‌ها است؛ بنابراین، نظریه در یک فرایند دو سویه شکل‌دهنده گرایش، نیت، تصمیم‌ها و رفتارها است. به هر حال، معنای کلی نظریه را می‌توان چنین در نظر گرفت که «نظریه، مجموعه مفاهیم، تعاریف و قضایای به هم پیوسته منظمی تعریف می‌شود که برای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد» (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۸۲-۴۸۰). در رابطه نظریه با علم اگر چه تولید نظریه، هدف ابزاری و نیز دستاورد علم شناخته می‌شود، لیکن علم هم مبتنی بر نظریه‌ها، فرضیه‌ها، قضایا، مدل‌ها، اصول مسلم و فروض است که تولید شناخت می‌کند (همان).

نظریه جهت‌دهنده فرضیه است ولی معادل آن نیست. امکان اخذ فرضیه از نظریه و یا تبدیل فرضیه به نظریه وجود دارد ولی یکسانی آن‌ها بی‌معناست. مدل ابزاری است که می‌تواند نظریه‌سازی را ارتقا بخشد. هدف نظریه تبیین یا پیش‌بینی است، در صورتی که مدل چیزی را تبیین یا پیش‌بینی نمی‌کند. هدف مدل، توصیف و تجسم است. مدل می‌تواند در بازنمایی نظریه مورد استفاده قرار گیرد (شومیکر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۰۲-۱۹۶). در جدول زیر مجموعه تعاریفی که در زمینه نظریه‌پردازی بیان شده، به طور خلاصه ارائه گردیده است.

جدول ۱. خلاصه تعاریف نظریه‌پردازی

نویسندگان	خلاصه تعاریف نظریه‌پردازی
امیری (۱۳۸۱)؛ خلیلی شورینی (۱۳۹۱: ۹۵-۹۴)	نظریه پاسخ به مسأله‌ای است که در مواجهه با واقعیتی و در قلمروی خاص رخ داده است. مجموعه‌ای است از تعاریف، مفاهیم، قضایا و موضوعاتی که رابطه‌ی بین متغیرها و پدیده‌ها را به طور منظم و مرتب بیان می‌دارد و رابطه‌ی بین پدیده‌های کشف شده را مطرح می‌کند.
پوپر (۱۳۷۲: ۶۳)	نظریه‌های علمی، گزاره‌های کلی‌اند و دستگاه‌هایی از علائم و نمادها هستند.
توسلی (۱۳۸۸: ۵)	نظریه، هم‌نگری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد.
حمیدی‌زاده (۱۳۹۳: ۴۸۲-۴۸۰)؛ خلیلی	علم مبتنی بر نظریه‌ها، فرضیه‌ها، قضایا، مدل‌ها، اصول مسلم و فروض است که تولید شناخت می‌کند و در واقع نظریه همان علم است که از آن فرضیه ساخته می‌شود و مورد

نویسندگان	خلاصه تعاریف نظریه پردازی
شورینی (۱۳۹۱: ۹۵-۹۴)	آزمون قرار می‌گیرد و محصول این کار تولید مجدد نظریه و علم است و این چرخه تکرار می‌شود.
حمیدی‌زاده (۱۳۹۳: ۴۸۲-۴۸۰)	نظریه یک جمله خبری است که شناختی را درباره یک پدیده از طریق تجرید و تبیین به وجود می‌آورد و امکان دستیابی به هدف، ساختار، فرایندها، سازوکارها و عملکرد پدیده را فراهم می‌آورد. نظریه، مجموعه مفاهیم، تعاریف و قضایای به هم پیوسته منظمی تعریف می‌شود که برای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.
شومیکر و همکاران (۱۹۸۰: ۱۳۸۷)	امکان اخذ فرضیه از نظریه و یا تبدیل فرضیه به نظریه وجود دارد ولی یکسانی آنها بی‌معناست. هدف نظریه تبیین یا پیش‌بینی است.
ازکیا و دربان آستانه (۱۴۶: ۱۳۸۲)	نظریه باید به تعریف پدیده‌ها بر پایه اصطلاحاتی پردازد که به نحو معتبری قابل سنجش بوده و برای تبیین و پیش‌بینی نیز مناسب باشند.

ویژگی‌های نظریه

به‌طور کلی ویژگی‌های آرمانی یک نظریه را که تا حدودی مورد نظر اکثر صاحب‌نظران و دانشمندان علوم اجتماعی باشد، می‌توان در موارد زیر بیان نمود که در هر یک از آنها نیز پرسش‌ها و ابهاماتی وجود دارد:

- نظریه باید یافته‌های تجربی موجود را به‌طور منطقی تبیین نماید و پیش‌بینی‌های صحیح و دقیقی درباره تعمیم‌های جدید ارائه دهد.

- نظریه باید یافته‌های تجربی را نه بر اساس روش‌هایی که صرفاً برای دستیابی آن به یافته‌ها ساخته شده است بلکه در چارچوب اصطلاحات اساسی تبیین نماید.

- نظریه می‌بایست در مورد امور پیچیده و واقعی به کار رود، همان‌گونه که در مورد زمینه‌های تحقیقاتی که شدیداً کنترل و تا حدود زیادی ساده‌تر شده‌اند.

- نظریه باید قابل تعمیم به فراسوی مرزهای مطالعات ویژه‌ای باشد که بر پایه آن نظریه ساخته شده و مورد آزمون قرار گرفته است.

- لازم است که نظریه به استنتاج روابط علی میان پدیده‌هایی پردازد که مورد بررسی هستند.

- نظریه باید به تعریف پدیده‌ها بر پایه اصطلاحاتی پردازد که به نحو معتبری قابل سنجش بوده و برای تبیین پیش‌بینی نیز مناسب باشند (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۱۴۷-۱۴۶).

فرایند و مراحل نظریه‌پردازی (تشکیل نظریه)

علم مجموعه‌ای از گزاره‌ها و در بردارنده نظریه‌هاست که روش خود را همواره با مسأله آغاز و در پی پاسخ دادن به آن است و این مراحل مسأله‌یابی، راه حل‌یابی، ارزیابی راه حل و مسائل جدید به پیوسته تکرار می‌شود. فرایند تشکیل یک نظریه علمی ناگزیر از طی کردن مراحل زیر است:

- **برخورد با مسأله:** اولین مرحله در هر تحقیق علمی برخورد با مشکلی است که در اثر شناخت یک پدیده حاصل می‌شود.

- **تشکیل فرضیات:** نتیجه برخورد با موقعیت نامطلوب و مبهم، نوعی تنش و عدم تعادل است که برای انسان ناخوشایند بوده و او را در جهت رفع آن به تلاش وادار می‌دارد.

- **گردآوری داده‌ها:** جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به منظور سنجش و آزمون فرضیات است.

- **آزمون و سنجش داده‌ها:** در این مرحله باید اطلاعات گردآوری شده را به محک آزمون گذارد که با شناخت روش‌ها و طرح‌های دقیق تحقیق و انتخاب روشی درست و مناسب میسر است.

- **استنتاج:** در این مرحله با نتیجه‌گیری از آزمون‌های مکرر درمی‌یابیم که کدام فرضیه‌ها اثبات و کدام رد شده‌اند. به عبارت دیگر آیا پاسخ متناسب برای حل مشکل خود را یافته‌ایم و یا باید به دنبال فرضیات دیگری باشیم.

- **تعمیم نتایج به دست آمده به شکل قانون علمی:** پس از این مرحله است که نظریه جامعه‌شناسی شکل می‌گیرد و کارکرد اصلی آن عبارت است از: توضیح، تبیین، تفسیر و پیش‌بینی نسبی رخدادها و قوانین جدید و تدوین قالبی که پدیده‌ها در آن معنا می‌گیرد (تنهایی، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸).

شاخص‌های ارزیابی نظریه‌ها

داشتن مجموعه‌ای از معیارها (برای نظریه‌ها) در جهت ارزیابی آن‌ها لازم است. مهم‌ترین این معیارها عبارتند از: آزمون‌پذیری، ابطال‌پذیری، ایجاز، قدرت تبیین‌کنندگی، قدرت پیش‌بینی، گستره، ماهیت تراکمی علم، درجه توسعه رسمی، ارزش اکتشافی، زیبایی‌شناسی، احکام، فروض و شرایط آزمون، پوشش، بارز بودن، عمق، تناسب با مسأله زمانه، جدید بودن جوهره نظریه، ماهیت لایه‌ای نظریه، جنبه ارزیابی‌کنندگی و جنبه هدایت‌کنندگی (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۳).

- **آزمون‌پذیری:** یک نظریه باید آزمون‌پذیر بوده و اساساً باید در چارچوب مفاهیم و متغیرهایی که قابل اندازه‌گیری هستند، بیان شود.

- **ابطال‌پذیری:** از نظر «کارل پوپر»، ابطال هر نظریه گامی است که ما را به حقیقت نزدیک‌تر

می‌کند. به نظر «استینچ‌کومب» یک نظریه مفید باید به اندازه کافی روشن و واضح باشد که امکان رد شدن آن نیز وجود داشته باشد.

- **ایجاز:** ساده‌ترین نظریه، بهترین نظریه است. اگر دو یا چند نظریه قدرت تبیین‌کنندگی و قدرت پیش‌بینی یکسانی دارند آنکه از بقیه ساده‌تر است، ارجح است.

- **قدرت تبیین‌کنندگی:** هدف عمده نظریه فراهم نمودن تبیین است. هر چه این تبیین بهتر باشد نظریه نیز به همان نسبت بهتر خواهد بود. قدرت تبیین‌کنندگی رابطه نزدیکی با ایجاز دارد.

- **قدرت پیش‌بینی:** هدف مهم علم پیش‌بینی است. عموماً هر چه پیش‌بینی دقیق‌تر باشد نظریه بهتر خواهد بود.

- **گستره:** هرچه یک نظریه به ما در درک پدیده‌های بیشتری کمک کند، نظریه بهتری خواهد بود.

- **ماهیت تراکمی علم:** نظریه، شناختی ایستا نیست بلکه در حال تغییر و گسترش است. این ویژگی نظریه اشاره به این دارد که نظریه هرچه بیشتر بر مبنای مطالعات قبلی و پژوهش‌های مکرر مورد تجدیدنظر قرار گرفته و رشد پیدا کرده باشد، بهتر است.

- **درجه توسعه رسمی:** منظور این است که یک نظریه از نظر داشتن عناصر و مؤلفه‌های ضروری (مفاهیم، تعاریف نظری، تعاریف عملیاتی، فرضیه‌ها، پیوندهای نظری و عملیاتی، محدوده‌ها و انگارش‌ها) کامل‌تر و جامع‌تر باشد.

- **ارزش اکتشافی:** یک نظریه هنگامی ارزشمند است که به ما کمک کند ایده‌هایی را برای پژوهش خلق کنیم و منجر به خلق ایده‌های نظری دیگری شود. هر چه فرضیه‌های جدیدی که از یک نظریه حاصل می‌شوند بیشتر باشد آن نظریه بهتر است.

- **زیبایی‌شناسی:** گرچه این امر شاید یک ملاک ضروری نباشد اما برخی نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که برای ارزیابی نظریه‌ها از اصل زیبایی‌شناسی نیز بهره بگیریم. البته به نظر می‌رسد که تمام این معیارها به‌طور هم‌زمان نمی‌توانند در یک نظریه حضور داشته باشند.

- **احکام:** مجموعه احکام، اصول مسلم است که در ارتباط با رفتار سازه‌های نظری و مفاهیم مطبوع پدیده‌های جهان واقعیات هستند. اصول مسلم، گزاره‌های کلی هستند. این اصول احکام رفتاری هم تلقی می‌شوند.

- **فروض و شرایط آزمون:** دومین قسمت نظریه، مجموعه فروض و شرایط آزمون است که بر اساس آن اصول مسلم رفتاری، آزمون می‌شوند. برای مفید واقع شدن اصول مسلم و احکام رفتاری

سازه‌های نظری در علم، باید بتوان آن‌ها را به پدیده‌های واقعی ربط داد. البته احکام با فروض، فرق دارند. اصول مسلم رفتاری نظریه نشانگر احکام است درحالی‌که فروض جلوه شرایط آزمون خاص است. این فروض باید در چارچوب مفاهیم یا متغیرهای قابل اندازه‌گیری بیان شوند.

- **پوشش:** مطابق این سازوکار، میزان مورد پذیرش، توجه و سطح کاربری نظریه در آثار دیگران نشانگر توانمندی پوشش نظریه در تبیین و پیش‌بینی پیشامد خاص با درایت بهره‌گیری دیگران از آن است.

- **بارز بودن:** نظریه حاوی ایده است. این ایده باید کاملاً روشن و نشانگر بخشی از چارچوب و سازه‌های نظری و تحلیلی در استدلال‌های اصلی پیشنهاد دهنده باشد.

- **عمق:** نظریه و ایده باید نکات ظریف و تازه‌ای از تبیین مفاهیم، ساختار و روابط درونی متغیرهای پدیده بر پایه سازوکار خاص و رفتار آن‌ها ارائه کند. لذا نظریه باید جوهره و روح سیاست‌گذاری شکل دهد.

- **تناسب با مسأله زمانه:** نظریه و ایده باید جلوه شرایط و مسائل زمانه پدیده مورد تبیین باشند و بتواند جایگاه مسأله شناختی و موضوع پردازی ایده را در چارچوب نظریه‌پردازی مسائل زمانه، مطرح نماید.

- **جدید بودن جوهره نظریه:** محتوا و پیام نظریه باید تازه و جدید باشد و جنبه تکراری نداشته باشد، زیرا ممکن است نام یک نظریه به کرات ذکر شود اما جوهره آن، جدید نباشد.

- **ماهیت لایه‌ای نظریه:** نظریه شناختی بر پایه شرایط و حقایق پدیده خاص متناسب با سطوح فعلیتی آن به وجود می‌آورد. لذا برای هر شرایط و حقایق جدید باید نظریه‌ای جدید مطرح کرد؛ از این جهت، نظریه‌ها شناختی پویا، در حال تغییر و گسترش برای علم به وجود می‌آورند. همان‌طوری که فرضیه‌ها را باید با شواهد مناسب و خاص خود با آزمون‌های متنوع و با استفاده از روش‌های متفاوت آزمایش کرد و این فرضیه‌ها پایه نظریه‌ها می‌شوند پس نظریه‌هایی جدید می‌توان بر پایه شواهد متنوع ارائه کرد. البته علم ماهیت تراکمی دارد و انباشته‌ای از نظریه‌ها است و نظریه‌ها باید انباشتی از فرضیه‌ها باشد.

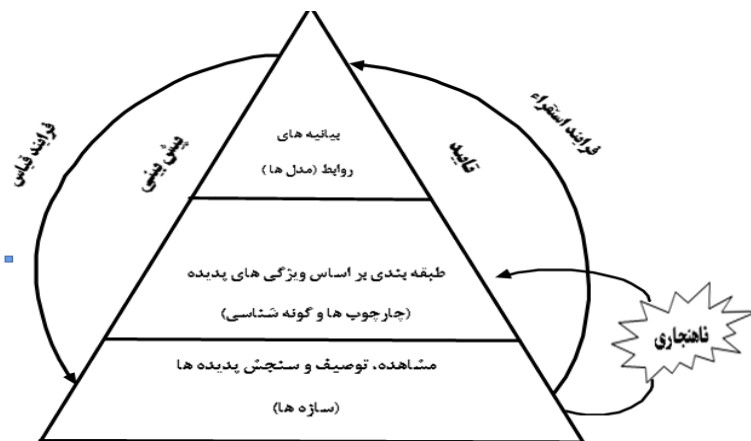
- **جنبه ارزیابی‌کنندگی:** نظریه باید حاوی شاخص‌های تشخیص، سنجش و ارزیابی برای هدف، سازوکار، وظایف، ساختار و عملکرد پدیده مورد مطالعه اختیار قرار دهد.

- **جنبه هدایت‌کنندگی:** نظریه از این روی که حاوی ایده است پس باید جنبه هدایت‌کنندگی داشته باشد. هر ایده، حاوی انرژی ناشی از بار معنایی خود است. انرژی، حرکت ایجاد می‌کند.

حال اگر شخصی نتوانست با مطالعه نظریه، حرکتی در خود به وجود آورد به دلیل ماهیت نظریه نیست بلکه به دلیل ماهیت تصمیم‌گیری آن فرد است که یا نخواست یا نتوانست حرکتی برای خود شکل دهد (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۰).

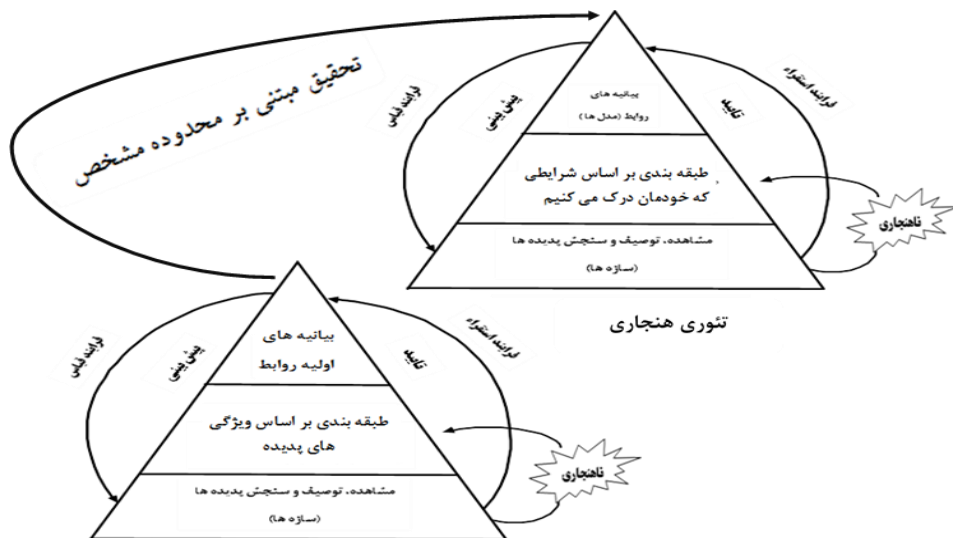
روش‌شناسی نظریه‌پردازی

برای نظریه‌پردازی، چندین روش مطرح وجود دارد که در این اینجا به اختصار به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. «کارلایل و کریستنسن»^۱ پیرامون روش نظریه‌پردازی خود، بر این باورند که نظریه‌پردازی در دو مرحله اصلی اتفاق می‌افتد: «مرحله تشریحی» و «مرحله هنجاری و اصولی». در هر کدام از این مراحل، سازندگان نظریه یک فرایند را در سه گام انجام می‌دهند. فرایند نظریه‌پردازی از طریق این سه گام، مدام تکرار می‌شود «مرحله تشریحی» در فرایند نظریه‌پردازی یک مرحله مقدماتی و اولیه است زیرا پژوهشگران به‌طور کلی باید از این مرحله عبور کنند تا بتوانند نظریه هنجاری و اصولی پیشرفته‌تری بسازند. سه گامی که پژوهشگران باید برای ساختن نظریه‌های تجویزی و اصولی انجام دهند شامل: «مشاهده»، «طبقه‌بندی» و «وابسته‌سازی» می‌باشد (کارلایل و کریستنسن، ۲۰۰۴). فرایند نظریه‌پردازی در مرحله تشریحی به‌صورت شماتیک در شکل شماره ۱ نشان داده می‌شود:



شکل ۱: فرایند نظریه‌پردازی هنجاری (کریستنسن، ۲۰۰۴)

در راستای بسیاری از مباحثی که در مورد مزایای روش‌های قیاسی و استقرایی (روش‌های کمی و کیفی) انجام شده است، فرایند انتقال از نظریه‌های تشریحی به نظریه‌های تجویزی در قالب دو هرم در شکل شماره ۲ نشان داده شده است:

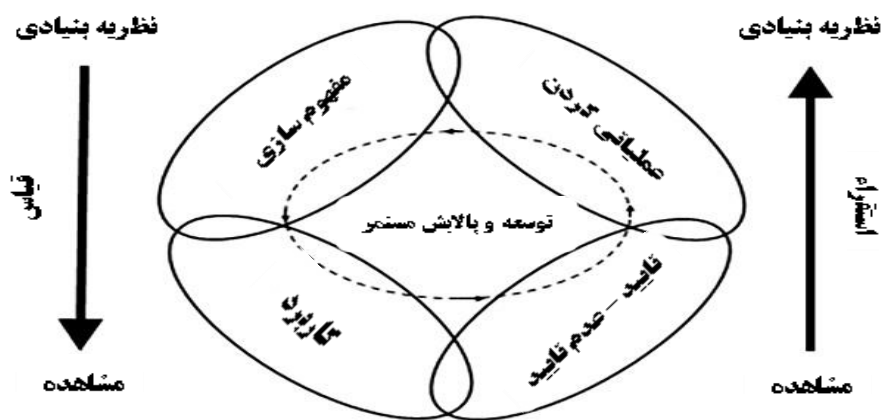


شکل ۲. انتقال از نظریه تشریحی به هنجاری (کریستنسن، ۲۰۰۴)

«دوبین» در کتاب نظریه‌پردازی خود رویکردی کمی و اثبات‌گرایانه (قیاسی) به نظریه‌سازی در حوزه‌های کاربردی دارد و مشاهده و توصیف جهان واقعی را نقطه آغازین نظریه‌پردازی می‌داند و مراحل زیر را برای نظریه‌پردازی طرح می‌کند:

- ۱) مطالعه مبانی نظری پژوهش و تعیین مبنای آن، شکل‌دهی چارچوب مفهومی؛
- ۲) احصای فرضیه‌ها بر اساس چارچوب مفهومی که روابط بین متغیرها را توصیف کند؛
- ۳) تدوین چارچوب عملیاتی برای سنجش‌پذیر کردن متغیرها در چارچوب مفهومی؛
- ۴) طراحی سنجش متغیرها و فرضیه‌ها؛
- ۵) آزمون فرضیه‌ها بر اساس داده‌های گردآوری شده به وسیله سنجش متغیرها؛
- ۶) تعدیل، اصلاح، تقویت نظریه اولیه که بر اساس رویکرد قیاسی احصاء شده است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳).

همان‌طور که شکل شماره ۳ نشان داده خواهد شد، «لین هام» (۲۰۰۲) معتقد است که فرایند نظریه‌سازی باید در حوزه کاربردی چنان واضح باشد که آن حوزه را به‌عنوان یک حرفه به تصویر بکشد. در این روش‌شناسی می‌توان از پژوهش نظریه داده‌بنیاد، فراتحلیل، ساخت اجتماعی و مطالعه موردی استفاده کرد. نظریه‌پردازی از دیدگاه او شامل پنج مرحله؛ «شکل‌دهی مفهومی»، «عملیاتی‌سازی»، «تأیید»، «کاربرد» و «پالایش و توسعه مستمر» است که هر دو منطق استقرایی و قیاسی را در بر می‌گیرد و هم رفت‌وبرگشتی و هم تعدد پارادایمی (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی) و روش‌شناسی متعدد (اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی) را می‌پذیرد.



شکل ۳. شیوه کلی نظریه‌پردازی کاربردی (لین هام، ۲۰۰۲)

- ۱) مرحله شکل‌دهی مفهومی: عناصر کلیدی نظریه شناسایی، روابط توصیف و محدودیت‌ها و شرایط مشخص می‌شود.
- ۲) مرحله عملیاتی‌سازی: چارچوب مفهومی به عناصر سنجش‌پذیری تبدیل می‌شوند که می‌توان آن‌ها را در جهان واقعی تأیید کرد.
- ۳) مرحله تأیید یا رد: چارچوب عملیاتی که بر اساس چارچوب نظری طراحی شده به مرحله آزمایش گذاشته می‌شود و اهداف پژوهش مستقیماً با عملیاتی کردن نظریه دنبال می‌شود.
- ۴) مرحله کاربرد: در این مرحله مشخص می‌شود که آیا نظریه به دست آمده در بهبود‌گنش فردی یا سازمانی و حل مسأله فراروی فرد یا سازمان مفید است یا خیر؟ در واقع نظریه تأیید شده باید در عمل نشان دهد که قادر به حل مسأله است و در عمل است که نقاط قوت و ضعف نظریه

مشخص می‌شود و بازخوردی را برای نظریه‌پرداز فراهم می‌کند تا نظریه خود را پالایش و توسعه دهد.

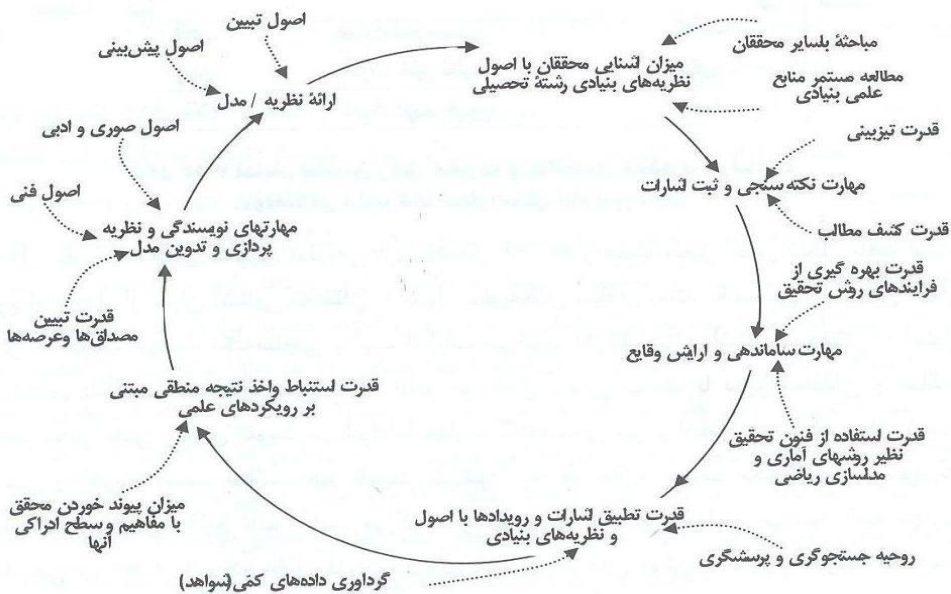
۵) پالایش و توسعه مستمر: نظریه‌پردازی کاربردی، ماهیتی رفت و برگشتی دارد و توجه مستمر به مناسب بودن و مطلوبیت تئوری برای تضمین اعتبار آن دارد تا از به‌روز بودن و بهبود به‌هنگام نظریه اطمینان حاصل شود. چارچوب «لین هام» در تعیین تفاوت‌ها، شباهت‌ها و حوزه‌های پژوهش آینده کارساز و کمک‌کننده است (همان).

«ون دی ون» (۲۰۰۷) چارچوبی برای نظریه‌پردازی و طرح پژوهش ارائه داد که به نحوی با چارچوب‌های دیگر شباهت‌ها و اندکی تفاوت دارد. وی مدعی است پژوهش نظریه‌پردازی باید در فرایند فرموله کردن مسأله و حل آن بیانجامد و رهنمودهایی برای فرایند حل مسأله در اختیار مدیران قرار دهد. او تعاملات اندیشمند و اندیشه‌ورز را در چهار حوزه بسیار اساسی مد نظر داد: فرموله کردن مسأله، شکل‌دهی نظریه بدیل، گردآوری قرائن و شواهد و به‌کارگیری یافته‌ها (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳).

«حمیدی‌زاده» (۱۳۹۳) نیز معتقد است در مطالعه نظریه‌ها باید از رویکرد تفسیر، تحلیل، اخذ نتیجه و ارزیابی استفاده شود تا حقایق و عوامل مؤثر زمانه پدیده مشخص شود. اگرچه شرایط و نوع فعالیت‌های علوم در طی دهه‌های مختلف تحول و تغییر یافته‌اند لیکن نظریه‌های مطرح مبتنی بر آن شرایط و نوع فعالیت‌هاست. بررسی و تحلیل نظریه‌ها برای سیاست‌گذاری‌ها ضروری هستند زیرا خطوط راهنمای سیاست‌ها برای تصمیم‌گیری‌ها باید جوهره مسائل را نشان دهند؛ همین نگاه دیدگاه‌های نوینی پیش‌روی پژوهشگران می‌گشاید زیرا تفکرات هر عصر، آئینه، تصویر، جلوه و نمود آن دوران است که نشانگر رویدادها، وقایع، حالات، کیفیات و رفتارهای مرتبط است. نوع افکار گرچه از شرایط، سطح فکری و روابط اجتماعی حکایت می‌کند در حالی‌که این افکار باید به‌گونه‌ای باز، عمیق، بینا و نشانگر اندیشیدن‌های حکیمانه باشد که بتوان از وقایع مربوط درس‌آموزی کرد تا فهم مسائل و مباحث واقعیات با برقراری ارتباطات سودمند به‌وجود آید، از طریق سطح اندیشیدن، فهم و درک است که می‌توان دانا به وقایع و توانمند برای هدایت رخدادهای آتی و تغییرات مرتبط شد. هدایت این تغییرات و تحولات با سیاست‌گذاری هموار می‌شود، حتی سیاست‌ها می‌توانند بانی آن وقایع نیز باشند. زندگی در دنیای پر شتاب امروز نیازمند سطوحی از قابلیت شناخت، تحلیل، راهیابی، دوران‌دیشی، آینده‌نگاری و سیاست‌گذاری برپایه

دانایی برخاسته از قوانین الهی است، از این رو، ضروری است ابتدا مأموریت و جوهره سیاست‌ها تبیین، سپس موضوعات اساسی تشخیص داده شوند و همت متعالی را برای دستیابی به شناخت بصیرت‌یاب صرف کرد (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۸). ایشان معتقد است، هدف علم‌آفرینی استفاده از جستجوگری درباره قدرت نظریه، فرضیه و مدل است تا علم به دستاوردهای جدید برای هدایت بیشتر پدیده‌های مورد نظر نائل آید و مدل علی حلقوی نظریه‌پردازی زیر را (شکل شماره ۴) که از هفت متغیر اصلی شکل یافته است، پیشنهاد می‌کند.

شروع این مدل از میزان آشنایی پژوهشگران با اصول نظریه‌های بنیادی رشته تخصصی است، این عامل منجر به تقویت مهارت نکته‌سنجی و ثبت اشارات می‌شود و خود این عامل تحت تأثیر دو عامل بیرونی مباحثه با سایر پژوهشگران و مطالعه مستمر منابع علمی بنیادی تقویت می‌شود و درخصوص عوامل دیگر نیز این رابطه علمی برقرار است. طرح تولید علم یا نظریه‌پردازی متفاوت از طرح پژوهشی است و نظریه‌پردازی به حل مسائل عملی در چارچوب قضاوت یا توافق جمعی درباره ارزش نظریه‌ها و مدل‌های مورد ارزشیابی، می‌پردازد. از آنجا که هر یک از افراد، دارای صافی تصویربرداری و قابلیت تحقیق هستند که می‌تواند پل ارتباطی ذهنیات و واقعیات آن‌ها را شکل دهد، برای نیل به سطح عینی و حسی در مرحله موضوع‌گزینی و گذر از آن‌ها برای دستیابی به مدل‌های ذهنی، بهره‌گیری از مدل علی نظریه‌پردازی شکل شماره ۴ استفاده کنند (همان، ۱۵۳).



شکل ۴. مدل علی حلقوی نظریه پردازی (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۸)

مدل مفهومی پژوهش

با مروری کلی بر ادبیات و مدل‌های موجود و با توجه به موضوع مورد نظر این پژوهش یعنی، شناسایی ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی، در وهله نخست، ابعاد فرایند نظریه‌پردازی و در مرحله بعدی، اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی هر بُعد را که بیانگر شاخص‌های مربوط به آن بُعد بوده را با در نظر داشتن میزان استفاده و یا امکان استفاده از آن‌ها و نیز سنجش میزان تأثیر شاخص از طریق پرسشنامه مورد پرسشگری قرار داده‌ایم. بنابراین مدل تحلیلی پژوهش، برای شناسایی ابعاد نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی در جدول شماره ۲ نشان داده شده‌اند:

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌های مربوط به فرایند نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی

مفهوم	ابعاد	شاخص
نظریه‌پردازی	مفهوم‌سازی	مشاهده، نکته سنجی و ثبت اشارات تجربه
		شناسایی مفاهیم و عناصر کلیدی تجربه
		بررسی علل وقوع رویدادهای مطرح در تجربه
		توصیف روابط و فرموله کردن مسئله(علل)
		مشخص کردن محدودیت‌ها و شرایط تدوین مفاهیم
	تدوین چارچوب مفهومی	تبدیل مفاهیم به عناصر سنجش‌پذیر قابل تأیید
		تعریف نظری مفاهیم و پیوند میان آن‌ها
		تعریف عملیاتی مفاهیم و پیوند میان آن‌ها
		احصای فرضیه‌ها
		آزمون فرضیه‌ها
آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی	گردآوری داده‌های کمی(شواهد)	
	ارتباط پژوهشگر با سطح ادراکی مفاهیم	
	تعیین و آزمون روابط تعریفی میان عناصر	
تحلیل و تلخیص نتایج	تعیین و آزمون روابط ساختاری میان عناصر	
	تعیین و آزمون روابط سازوکاری میان عناصر	
	تلخیص طبقه‌بندی نتایج بر اساس متغیرهای کلیدی تجربه	
		ارائه تحلیل‌های آماری از ابعاد نتایج طبقه‌بندی شده
		جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مفهوم	ابعاد	شاخص
چارچوب مفهومی	استخراج نهایی	ترسیم چارچوب از جنبه شکل‌گیری
		ترسیم چارچوب از جنبه فرایندی
		ترسیم چارچوب از جنبه محتوایی
		ترسیم چارچوب از جنبه عملکردی
تدوین نظریه		مهارت نویسندگی (شامل رعایت اصول ادبی، فنی و قدرت تبیین مصادق‌ها و عرصه‌ها)
		تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه
		قدرت تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی‌گری
		نشان دادن مرزهایی با روابط مشخص درون آن‌ها
		گزاره‌های دارای شاخص‌های تجربی
		امکان طرح فرضیه‌های آزمون‌پذیر
		ملاحظات زیباشناختی، ایجاز و جدید بودن جوهره نظریه

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر به لحاظ هدف، به دنبال شناسایی ابعاد فرایند نظریه‌پردازی برای تجربیات مدیران راهبردی از طریق آزمون شاخص‌های آن و در صورت لزوم افزودن ابعاد و یا شاخص‌هایی جدید از طریق پاسخ‌دهندگان بوده است، از نوع توسعه‌ای و از آن جهت که در برخورد با یک مسأله در پی یافتن پاسخ و ارائه راهکارهایی در این زمینه برای حل مشکلات موجود است، ماهیتی کاربردی دارد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با تمرکز بر روی تعدادی از افراد دارای شرایط مدیریت راهبردی، کاوشی دقیق‌تر و ژرف‌نگرانه نسبت به موضوع تحت بررسی به عمل آید تا بتوان شناختی عمیق‌تر از دیدگاه‌های هر یک از آنان به دست آورد. روش نمونه‌گیری به صورت اشباع هدفمند با تعداد نمونه‌های اشباع کیفی از میان مدیران راهبردی به هنگام رسیدن اشباع، حجم نمونه به ۴۲ نفر رسید. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای علمی-تخصصی با ابزارهای متفاوت استفاده شده است.

الف) روش میدانی: در این روش، از پرسشنامه بسته و ساختاریافته به‌عنوان یکی از رایج‌ترین ابزارها برای گردآوری داده‌های پژوهش استفاده شده که به دلیل نبود پرسشنامه‌ای استاندارد به‌منظور شناسایی و اندازه‌گیری ابعاد نظریه‌پردازی، به صورت محقق‌ساخته تهیه و طراحی گردید. در این پژوهش از طیف پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شد و روایی آن از طریق مراجعه به اساتید و

خبیرگان موضوع و اخذ نظرات آنان مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. از سویی به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه می‌گردد:

جدول ۳. ضریب آلفای کرونباخ

پایایی کل عوامل	پایایی کل عوامل	آلفای کرونباخ
۰.۸۷۲	۰.۹۷۸	میزان استفاده یا امکان استفاده
	۰.۷۸۳	میزان تأثیر یا وزن

با توجه به اعداد به دست آمده در جدول فوق می‌توان اذعان نمود که پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار بوده و این به منزله‌ی داشتن قابلیت اطمینان قابل قبول برای پرسشنامه تهیه شده است. (ب) روش کتابخانه‌ای: به منظور تهیه ادبیات موضوع و همچنین آشنایی با مفاهیم، تعاریف، سازوکارها و رویه‌های مربوط به پژوهش از طریق مراجعه به کتب، مقاله‌های علمی و پژوهشی، سایت‌های اینترنتی معتبر علمی و سایر پژوهش‌های انجام شده پیشین، اطلاعات مورد نیاز گردآوری گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز این پژوهش توسط پرسشنامه‌ای محقق ساخته که در طیف پنج درجه‌ای لیکرت از ۱ (بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) تنظیم شده است، صورت گرفت. این پرسشنامه شامل ۳۶ سؤال در هفت بخش یعنی، «ابعاد نظریه‌پردازی» و شاخص‌های «مفهوم‌سازی»، «تدوین چارچوب مفهومی»، «آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی»، «تحلیل و تلخیص نتایج»، «استخراج نهایی چارچوب مفهومی»، «تدوین نظریه» می‌باشد. برای هر سؤال دو مجموعه گزینه طراحی شده است؛ مجموعه اول به دنبال میزان استفاده یا امکان استفاده از گویه‌ها و مجموعه دوم به میزان تأثیر یا وزن هر یک از آن‌ها می‌پردازد. برای تحلیل دقیق و مناسب داده‌های موجود در پرسشنامه و نهایتاً نتیجه‌گیری درست و کامل برای پژوهش از ابزارهای مختلف آماری استفاده شده که در این بخش به شرح هریک و چگونگی اقدام تحلیلی پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر برای شناسایی عوامل، از دیدگاه نخبگان و برای تأیید عوامل، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. برای انجام تحلیل عاملی تأییدی دو اقدام زیر صورت گرفته است:

۱. تأیید کفایت حجم نمونه آماری با استفاده از نرم افزار SPSS و با به‌کارگیری آزمون KMO
۲. بررسی اینکه آیا می‌توان از تحلیل عاملی استفاده نمود یا خیر با استفاده از آزمون بارتلست (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۹۱).

الف) تحلیل عاملی برای میزان استفاده یا امکان استفاده هریک از عوامل در فرایند نظریه پردازی در بخش نخست از پرسشنامه به میزان استفاده یا امکان استفاده هر یک از عوامل شناسایی شده در هفت بخش یاد شده در بالا به منظور احصاء عوامل مربوط به فرایند نظریه پردازی تجربیات مدیران راهبردی توجه شده است. در آزمون KMO که برای اطمینان از حجم نمونه آماری صورت گرفت، هر چه قدر عدد به دست آمده به یک نزدیکتر باشد، حجم نمونه از کفایت بیشتری برخوردار است، لذا عدد حاصله (۰.۸۷۹) بیانگر سطح قابل قبولی از کفایت حجم نمونه می باشد. در آزمون بارتلت که برای تأیید استفاده از تحلیل عاملی استفاده شد، با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده عدد (۰) است و این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ می باشد، لذا این آزمون مجوز به کارگیری تحلیل عاملی در این پژوهش را ارائه نمود. نتایج آزمون KMO و بارتلت در جدول شماره ۴ برای میزان استفاده یا امکان استفاده هر یک از عوامل ارائه شده است.

جدول ۴. مجوز به کارگیری تحلیل عاملی از طریق آزمون KMO و بارتلت

آزمون KMO و بارتلت		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	۰.۸۷۹	
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۲۶۳۹.۱۸۲
	df	۳۵
	Sig. Bartlett's Test of Sphericity	۰.۰۰۰

جدول شماره ۵ نیز به ترتیب اشتراکات اولیه^۱ و اشتراکات استخراجی^۲ را نشان می دهد. اشتراک یک متغیر برابر مربع همبستگی چندگانه (R^2) برای متغیرهای مربوطه با استفاده از عاملها (به عنوان پیش بینی کننده) است. چون ستون اشتراک اولیه، اشتراکها را قبل از استخراج عاملها بیان می کند، تمامی اشتراکهای اولیه برابر عدد (۱) است. هرچه مقادیر اشتراکی استخراجی بزرگتر باشد، عاملهای استخراج شده، متغیرها را بهتر نمایش می دهد.

جدول ۵. توزیع اشتراکات اولیه و استخراجی عوامل

اشتراکات		عوامل مورد آزمون
اشتراکات استخراجی	اولیه	
۰.۷۱۹	۱.۰۰۰	مفهوم سازی
۰.۸۲۲	۱.۰۰۰	تدوین چارچوب مفهومی

اشتراکات		عوامل مورد آزمون
استخراجی	اولیه	
۰.۸۳۶	۱.۰۰۰	آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی
۰.۷۰۴	۱.۰۰۰	تحلیل و تلخیص نتایج
۰.۸۶۳	۱.۰۰۰	استخراج نهایی چارچوب مفهومی
۰.۷۴۵	۱.۰۰۰	تدوین نظریه
۰.۸۴۲	۱.۰۰۰	مشاهده، نکته سنجی و ثبت اشارات تجربه
۰.۸۲۵	۱.۰۰۰	شناسایی مفاهیم و عناصر کلیدی تجربه
۰.۷۲۶	۱.۰۰۰	بررسی علل وقوع رویدادهای مطرح در تجربه
۰.۷۷۸	۱.۰۰۰	توصیف روابط و فرموله کردن مسئله(علل)
۰.۸۲۱	۱.۰۰۰	مشخص کردن محدودیت‌ها و شرایط
۰.۸۲۵	۱.۰۰۰	تدوین مفاهیم
۰.۷۲۷	۱.۰۰۰	تبدیل مفاهیم به عناصر سنجش‌پذیر قابل تأیید
۰.۶۲۹	۱.۰۰۰	تعریف نظری مفاهیم و پیوند میان آن‌ها
۰.۸۲۳	۱.۰۰۰	تعریف عملیاتی مفاهیم و پیوند میان آن‌ها
۰.۷۷۵	۱.۰۰۰	احصای فرضیه‌ها
۰.۵۲۷	۱.۰۰۰	آزمون فرضیه‌ها
۰.۶۵۹	۱.۰۰۰	گردآوری داده‌های کمی(شواهد)
۰.۷۷۹	۱.۰۰۰	ارتباط پژوهشگر با سطح ادراکی مفاهیم
۰.۸۵۵	۱.۰۰۰	تعیین و آزمون روابط تعریفی میان عناصر
۰.۸۷۴	۱.۰۰۰	تعیین و آزمون روابط ساختاری میان عناصر
۰.۷۶۰	۱.۰۰۰	تعیین و آزمون روابط سازوکاری میان عناصر
۰.۸۷۳	۱.۰۰۰	تلخیص طبقه‌بندی نتایج بر اساس متغیرهای کلیدی تجربه
۰.۷۵۳	۱.۰۰۰	ارائه تحلیل‌های آماری از ابعاد نتایج طبقه‌بندی شده
۰.۷۰۵	۱.۰۰۰	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۰.۷۱۵	۱.۰۰۰	ترسیم چارچوب از جنبه شکل‌گیری
۰.۸۲۷	۱.۰۰۰	ترسیم چارچوب از جنبه فرایندی
۰.۷۱۲	۱.۰۰۰	ترسیم چارچوب از جنبه محتوایی
۰.۸۳۴	۱.۰۰۰	ترسیم چارچوب از جنبه عملکردی
۰.۷۱۱	۱.۰۰۰	مهارت نویسندگی(شامل رعایت اصول ادبی، فنی و قدرت تبیین مصداق‌ها و عرصه‌ها)
۰.۷۴۹	۱.۰۰۰	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه
۰.۶۹۴	۱.۰۰۰	قدرت تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی‌گری
۰.۸۱۸	۱.۰۰۰	نشان دادن مرزهایی با روابط مشخص درون آن‌ها
۰.۸۶۲	۱.۰۰۰	گزاره‌های دارای شاخص‌های تجربی
۰.۶۲۷	۱.۰۰۰	امکان طرح فرضیه‌های آزمون‌پذیر
۰.۸۹۰	۱.۰۰۰	ملاحظات زیباشناختی، ایجاز و جدید بودن جوهره نظریه

با توجه به اينكه اعداد در جدول فوق بالاتر از ۰.۵ مى باشند، لذا كليه عوامل مورد تأييد واقع شدند.

در مرحله بعد اقدام به محاسبه توضيح واريانس عوامل گرديد كه در جدول زير نشان داده شده است. اين جدول شامل سه بخش بوده كه بخش اول آن يعنى مقادير ويژه اوليه، تعيين كننده عامل هاى است كه در تحليل باقى مانده اند. بخش دوم، مربوط به مقادير ويژه عوامل استخراجى بدون چرخش مى باشد. بخش سوم، نشان دهنده مقادير ويژه استخراجى با چرخش است. همان گونه كه در اين جدول مشاهده مى شود، سه عامل «مفهوم سازى»، «تدوين چارچوب مفهومى» و «آزمون روابط ميان عناصر چارچوب مفهومى»؛ ۶۵ درصد از تغييرپذيرى (واريانس) متغيرها را مى توانند توضيح دهند. لازم به ذكر است كه در چرخش عامل هاى باقى مانده، نسبتى از كل تغييرات كه توسط اين سه عامل توضيح داده مى شود، ثابت است (بيش از ۶۵ درصد) ولى برخلاف روش بدون چرخش كه در آن عامل اول درصد بيشترى از تغييرات (بيش از ۴۲ درصد) را تبئين مى كند، در روش چرخش عامل ها، هر يك از آن ها نسبت تقريباً يكسانى از تغييرات را توضيح مى دهند. به عبارتى، اين ويژگى چرخش واريماكس^۱ است كه تغييرات را ميان عامل ها به شكل يكنواخت توزيع مى كند.

جدول ۶. واريانس عوامل مؤثر

ردیف	مقادير ويژه اوليه		جمع استخراجى مربع بارها			جمع چرخشى مربع بارها		
	درصد	درصد	جمع	درصد	درصد	جمع	درصد	درصد
	واريانس	انباشته	واريانس	انباشته	واريانس	انباشته	واريانس	انباشته
۱	۴۲.۳۴۷	۴۲.۳۴۷	۱۵.۲۴۵	۴۲.۳۴۷	۴۲.۳۴۷	۱۲.۹۵۴	۳۵.۹۸۴	۳۵.۹۸۴
۲	۱۷.۲۸۹	۵۹.۶۳۶	۶.۲۲۴	۱۷.۲۸۹	۵۹.۶۳۶	۶.۵۸۵	۵۴.۲۷۶	۱۸.۲۹۲
۳	۵.۶۵۶	۶۵.۲۹۲	۲.۰۳۶	۵.۶۵۶	۶۵.۲۹۲	۳.۹۶۶	۶۵.۲۹۲	۱۱.۰۱۶
۴	۲.۶۹۷	۶۷.۹۸۹						
۵	۲.۶۱۷	۷۰.۶۰۶						
۶	۲.۵۲۲	۷۳.۱۲۸						
۷	۲.۳۳۳	۷۵.۴۶۱						
۸	۲.۳۰۸	۷۷.۷۶۹						
۹	۲.۰۶۴	۷۹.۸۳۳						
۱۰	۱.۹۶۱	۸۱.۷۹۴						
۱۱	۱.۸۱۱	۸۳.۶۰۶						
۱۲	۱.۷۴۴	۸۵.۳۵۰						

عوامل	مقادیر ویژه اولیه			جمع استخراجی مربع بارها			جمع چرخشی مربع بارها		
	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته
۱۳	۰.۶۱۲	۱.۷۰۰	۸۷.۰۵۰						
۱۴	۰.۵۷۹	۱.۶۰۸	۸۸.۶۵۸						
۱۵	۰.۵۶۷	۱.۵۷۵	۹۰.۲۳۳						
۱۶	۰.۵۱۴	۱.۴۲۸	۹۱.۶۶۱						
۱۷	۰.۴۷۸	۱.۳۲۸	۹۲.۹۸۹						
۱۸	۰.۴۰۸	۱.۱۳۳	۹۴.۱۲۲						
۱۹	۰.۳۴۵	۰.۹۵۸	۹۵.۰۸۱						
۲۰	۰.۳۰۴	۰.۸۴۴	۹۵.۹۲۵						
۲۱	۰.۲۲۴	۰.۶۲۲	۹۶.۵۴۷						
۲۲	۰.۲۰۶	۰.۵۷۲	۹۷.۱۱۹						
۲۳	۰.۱۸۴	۰.۵۱۱	۹۷.۶۳۱						
۲۴	۰.۱۵۵	۰.۴۳۱	۹۸.۰۶۱						
۲۵	۰.۱۲۱	۰.۳۳۶	۹۸.۳۹۷						
۲۶	۰.۱۰۷	۰.۲۹۷	۹۸.۶۹۴						
۲۷	۰.۰۹۲	۰.۲۵۶	۹۸.۹۵۰						
۲۸	۰.۰۸۴	۰.۲۳۳	۹۹.۱۸۳						
۲۹	۰.۰۷۱	۰.۱۹۷	۹۹.۳۸۱						
۳۰	۰.۰۶۴	۰.۱۷۸	۹۹.۵۵۸						
۳۱	۰.۰۵۱	۰.۱۴۲	۹۹.۷۰۰						
۳۲	۰.۰۴۴	۰.۱۲۲	۹۹.۸۲۲						
۳۳	۰.۰۳۷	۰.۱۰۳	۹۹.۹۲۵						
۳۴	۰.۰۱۶	۰.۰۴۴	۹۹.۹۶۹						
۳۵	۰.۰۰۹	۰.۰۲۵	۹۹.۹۹۴						
۳۶	۰.۰۰۲	۰.۰۰۶	۱۰۰.۰۰۰						

جدول زیر ماتریس اجزا را نشان می‌دهد که شامل بارهای عاملی (نمرات عاملی) هر یک از متغیرها در عامل‌های باقی‌مانده است. تفسیر بارهای عاملی بدون چرخش ساده نیست، بنابراین عامل‌ها را می‌چرخانیم تا تفسیرپذیری آن‌ها افزایش یابد.

جدول ۷. ماتریس اجزای اصلی عوامل

عواملها	اجزا		
	۱	۲	۳
مفهوم‌سازی	۰.۸۷۶	-۰.۲۵۷	۰.۱۸۹
تدوین چارچوب مفهومی	۰.۹۰۶	-۰.۳۳۵	۰.۱۲۲
آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی	۰.۶۲۲	۰.۰۴۷	۰.۶۷۸
تحلیل و تلخیص نتایج	۰.۶۱۲	-۰.۲۴۵	-۰.۰۵۸
استخراج نهایی چارچوب مفهومی	۰.۶۹۸	۰.۱۱۴	۰.۱۸۶
تدوین نظریه	۰.۷۳۲	۰.۲۳۸	-۰.۱۲۹
مشاهده، نکته‌سنجی و ثبت اشارات تجربه	۰.۹۱۹	-۰.۱۳۴	۰.۰۳۵
شناسایی مفاهیم و عناصر کلیدی تجربه	۰.۸۶۶	۰.۰۲۷	۰.۲۹۱
بررسی علل وقوع رویدادهای مطرح در تجربه	۰.۸۱۴	-۰.۱۴۴	۰.۱۶۸
توصیف روابط و فرموله کردن مسئله(علل)	۰.۸۴۱	-۰.۲۶۵	-۰.۰۵۹
مشخص کردن محدودیت‌ها و شرایط	۰.۷۹۴	-۰.۳۸۴	۰.۱۵۴
تدوین مفاهیم	۰.۸۷۵	-۰.۰۹۰	۰.۱۷۳
تبدیل مفاهیم به عناصر سنجش‌پذیر قابل تأیید	۰.۸۶۳	-۰.۰۱۳	-۰.۰۰۳
تعریف نظری مفاهیم و پیوند میان آن‌ها	۰.۷۶۴	۰.۳۰۷	۰.۰۵۵
تعریف عملیاتی مفاهیم و پیوند میان آن‌ها	۰.۵۵۲	۰.۰۵۱	۰.۷۱۶
احصای فرضیه‌ها	۰.۷۰۲	۰.۴۸۵	-۰.۱۷۱
آزمون فرضیه‌ها	۰.۶۵۱	۰.۰۸۲	-۰.۲۰۲
گردآوری داده‌های کمی(شواهد)	۰.۷۹۶	۰.۱۴۹	۰.۱۹۶
ارتباط پژوهشگر با سطح ادراکی مفاهیم	۰.۸۷۸	۰.۱۴۷	۰.۰۷۳
تعیین و آزمون روابط تعریفی میان عناصر	۰.۸۰۲	-۰.۰۷۵	-۰.۱۰۲
تعیین و آزمون روابط ساختاری میان عناصر	۰.۸۵۸	-۰.۰۷۹	-۰.۱۲۸
تعیین و آزمون روابط سازوکاری میان عناصر	۰.۸۳۷	-۰.۲۰۷	-۰.۳۳۴
تلخیص طبقه‌بندی نتایج بر اساس متغیرهای کلیدی تجربه	۰.۸۱۲	-۰.۳۴۲	-۰.۲۶۴
ارائه تحلیل‌های آماری از ابعاد نتایج طبقه‌بندی شده	۰.۶۹۱	۰.۲۳۴	-۰.۱۲۲
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۰.۷۴۲	-۰.۱۵۹	-۰.۱۴۵
ترسیم چارچوب از جنبه شکل‌گیری	۰.۶۲۵	-۰.۲۵۵	-۰.۲۷۸
ترسیم چارچوب از جنبه فرایندی	۰.۷۵۶	-۰.۲۱۱	-۰.۰۶۹
ترسیم چارچوب از جنبه محتوایی	۰.۸۶۶	-۰.۰۹۲	-۰.۰۲۵
ترسیم چارچوب از جنبه عملکردی	۰.۶۷۶	۰.۶۲۶	-۰.۱۵۵
مهارت نویسندگی(شامل رعایت اصول ادبی، فنی و قدرت تبیین مصداق‌ها و عرصه‌ها)	۰.۷۳۲	-۰.۲۴۷	-۰.۲۰۶
تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه	۰.۶۸۹	-۰.۱۱۴	-۰.۲۱۵
قدرت تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی‌گری	۰.۶۲۸	-۰.۱۵۵	-۰.۲۴۶

اجزا			عامل‌ها
۳	۲	۱	
-۰.۱۰۳	-۰.۰۰۹	۰.۸۵۱	نشان دادن مرزهایی با روابط مشخص درون آن‌ها
-۰.۰۸۱	-۰.۰۸۷	۰.۷۶۱	گزاره‌های دارای شاخص‌های تجربی
-۰.۰۵۴	۰.۳۳۴	۰.۷۹۷	امکان طرح فرضیه‌های آزمون‌پذیر
-۰.۱۳۵	-۰.۱۶۶	۰.۸۴۰	ملاحظات زیباشناختی، ایجاز و جدید بودن جوهره نظریه
-۰.۲۰۲	-۰.۰۸۰	۰.۹۰۸	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه

جدول (۷) ماتریس چرخیده شده اجزا را نشان می‌دهد که شامل بارهای عاملی هر یک از متغیرها در عامل‌های باقی مانده پس از چرخش است. هر چقدر مقدار قدر مطلق این ضرایب بیشتر باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل تغییرات (واریانس) متغیر مورد نظر دارد.

جدول ۸. ماتریس چرخشی اجزا

اجزا			عامل‌ها
۳	۲	۱	
۰.۴۱۲	۰.۶۵۴	۰.۸۳۷	مفهوم‌سازی
۰.۴۲۵	۰.۳۵۲	۰.۷۴۵	تدوین چارچوب مفهومی
۰.۶۲۹	۰.۴۸۹	۰.۷۱۸	آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی
۰.۴۶۵	۰.۲۱۸	۰.۷۴۱	تحلیل و تلخیص نتایج
۰.۴۲۹	۰.۲۰۵	۰.۶۹۸	استخراج نهایی چارچوب مفهومی
۰.۳۷۶	۰.۳۵۸	۰.۷۱۵	تدوین نظریه
۰.۴۲۸	۰.۳۸۵	۰.۷۸۶	مشاهده، نکته‌سنجی و ثبت اشارات تجربه
۰.۶۳۸	۰.۴۲۵	۰.۵۸۸	شناسایی مفاهیم و عناصر کلیدی تجربه
۰.۲۸۹	۰.۲۲۷	۰.۶۱۷	بررسی علل وقوع رویدادهای مطرح در تجربه
۰.۳۲۷	۰.۲۲۱	۰.۶۵۵	توصیف روابط و فرموله کردن مسئله(علل)
۰.۳۹۶	۰.۰۹۸	۰.۷۱۹	مشخص کردن محدودیت‌ها و شرایط
۰.۵۴۹	۰.۱۶۷	۰.۶۱۰	تدوین مفاهیم
۰.۳۲۴	۰.۳۴۶	۰.۶۲۵	تبدیل مفاهیم به عناصر سنتز پذیر قابل تأیید
۰.۳۲۲	۰.۵۸۴	۰.۴۳۷	تعریف نظری مفاهیم و پیوند میان آن‌ها
۰.۶۹۸	۰.۳۱۶	۰.۴۱۲	تعریف عملیاتی مفاهیم و پیوند میان آن‌ها
۰.۱۱۷	۰.۸۸۲	۰.۳۹۸	احصای فرضیه‌ها
۰.۱۰۲	۰.۴۶۵	۰.۴۹۴	آزمون فرضیه‌ها
۰.۵۲۲	۰.۵۰۰	۰.۴۱۶	گردآوری داده‌های کمی(شواهد)
۰.۴۴۷	۰.۵۷۲	۰.۵۲۰	ارتباط پژوهشگر با سطح ادراکی مفاهیم
۰.۰۶۹	۰.۳۶۵	۰.۸۴۶	تعیین و آزمون روابط تعریفی میان عناصر
۰.۱۲۳	۰.۲۲۵	۰.۸۸۴	تعیین و آزمون روابط ساختاری میان عناصر

اجزا			عواملها
۳	۲	۱	
۰.۳۵۸	۰.۳۹۵	۰.۶۹۰	تعیین و آزمون روابط سازوکاری میان عناصر
۰.۱۴۶	۰.۹۰۷	۰.۱۷۴	تلخیص طبقه‌بندی نتایج بر اساس متغیرهای کلیدی تجربه
۰.۲۸۰	۰.۴۷۵	۰.۶۵۶	ارائه تحلیل‌های آماری از ابعاد نتایج طبقه‌بندی شده
۰.۲۹۴	۰.۷۱۱	۰.۳۹۷	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۰.۲۴۸	۰.۳۵۰	۰.۷۵۳	ترسیم چارچوب از جنبه شکل‌گیری
۰.۲۱۷	۰.۴۷۳	۰.۷۷۵	ترسیم چارچوب از جنبه فرایندی
۰.۴۳۵	۰.۳۷۷	۰.۷۳۰	ترسیم چارچوب از جنبه محتوایی
۰.۶۳۹	۰.۴۱۵	۰.۵۰۴	ترسیم چارچوب از جنبه عملکردی
۰.۵۰۹	۰.۲۷۹	۰.۶۱۱	مهارت نویسندگی (شامل رعایت اصول ادبی، فنی و قدرت تبیین مصداق‌ها و
۰.۳۱۸	۰.۲۵۲	۰.۷۸۵	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه
۰.۴۹۲	۰.۰۷۸	۰.۷۴۴	قدرت تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی‌گری
۰.۵۳۹	۰.۳۵۵	۰.۶۲۲	نشان دادن مرزهایی با روابط مشخص درون آن‌ها
۰.۳۷۵	۰.۴۵۳	۰.۶۳۱	گزاره‌های دارای شاخص‌های تجربی
۰.۳۷۰	۰.۶۳۴	۰.۳۳۷	امکان طرح فرضیه‌های آزمون‌پذیر
۰.۸۸۴	۰.۱۱۶	۰.۱۱۰	ملاحظات زیباشناختی، ایجاز و جدید بودن جوهره نظریه
۰.۱۴۶	۰.۸۱۱	۰.۲۸۲	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه

ب) تحلیل عاملی برای میزان تأثیر یا وزن هر یک از عوامل در فرایند نظریه‌پردازی

بنابراین تا این مرحله به تحلیل پاسخ‌ها به میزان استفاده یا امکان استفاده هر یک از عوامل شناسایی شده در هفت بخش مربوط به فرایند نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی مبادرت گردید. حال در بخش دوم از انجام تحلیل عاملی، به سنجش میزان تأثیر یا وزن هر یک از عوامل شناسایی شده در هفت بخش احصاء شده در فرایند نظریه‌پردازی تجارب مدیران راهبردی پرداخته می‌شود. همان‌گونه که در جدول (۹) مشاهده می‌شود، با توجه به اینکه در آزمون KMO هر چه قدر عدد به دست آمده به یک نزدیکتر باشد، حجم نمونه از کفایت بیشتری برخوردار است، لذا عدد حاصله (۰.۹۳۸) بیانگر سطح قابل قبولی از کفایت حجم نمونه می‌باشد. در آزمون بارتلت با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده عدد (۰) است و این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ می‌باشد، لذا از آزمون تحلیل عاملی می‌توان استفاده کرد.

جدول ۹. مجوز به کارگیری تحلیل عاملی از طریق آزمون KMO و بارتلت

آزمون KMO و بارتلت		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy		۰.۹۳۸
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۳۱۰۴.۵۶۴
	df	۳۵
	Sig. Bartlett's Test of Sphericity	۰.۰۰۰

جدول (۱۰) نیز در ستون اشتراک اولیه، اشتراکها را پیش از استخراج عاملها بیان می‌کند لذا تمامی اشتراکهای اولیه برابر عدد (۱) است و هرچه مقادیر اشتراکی استخراجی بزرگتر باشد، عاملهای استخراج شده، متغیرها را بهتر نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. توزیع اشتراکات اولیه و استخراجی عوامل

اشتراکات		عوامل مورد آزمون
اشتراکات اولیه	اشتراکات استخراجی	
۱.۰۰۰	۰.۸۴۲	مفهوم‌سازی
۱.۰۰۰	۰.۸۱۲	تدوین چارچوب مفهومی
۱.۰۰۰	۰.۸۷۴	آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی
۱.۰۰۰	۰.۷۳۵	تحلیل و تلخیص نتایج
۱.۰۰۰	۰.۸۳۶	استخراج نهایی چارچوب مفهومی
۱.۰۰۰	۰.۷۷۴	تدوین نظریه
۱.۰۰۰	۰.۸۷۰	مشاهده، نکته سنجی و ثبت اشارات تجربه
۱.۰۰۰	۰.۸۸۳	شناسایی مفاهیم و عناصر کلیدی تجربه
۱.۰۰۰	۰.۷۲۷	بررسی علل وقوع رویدادهای مطرح در تجربه
۱.۰۰۰	۰.۸۰۷	توصیف روابط و فرموله کردن مسئله(علل)
۱.۰۰۰	۰.۶۵۷	مشخص کردن محدودیتها و شرایط
۱.۰۰۰	۰.۸۲۴	تدوین مفاهیم
۱.۰۰۰	۰.۵۷۹	تبدیل مفاهیم به عناصر سنجش پذیر قابل تأیید
۱.۰۰۰	۰.۷۷۲	تعریف نظری مفاهیم و پیوند میان آنها
۱.۰۰۰	۰.۵۹۷	تعریف عملیاتی مفاهیم و پیوند میان آنها
۱.۰۰۰	۰.۶۴۶	احصای فرضیه‌ها
۱.۰۰۰	۰.۶۶۱	آزمون فرضیه‌ها
۱.۰۰۰	۰.۷۵۷	گردآوری داده‌های کمی(شواهد)
۱.۰۰۰	۰.۸۲۵	ارتباط پژوهشگر با سطح ادراکی مفاهیم
۱.۰۰۰	۰.۷۶۴	تعیین و آزمون روابط تعریفی میان عناصر
۱.۰۰۰	۰.۸۱۵	تعیین و آزمون روابط ساختاری میان عناصر
۱.۰۰۰	۰.۸۵۲	تعیین و آزمون روابط سازوکاری میان عناصر
۱.۰۰۰	۰.۵۹۹	تلخیص طبقه‌بندی نتایج بر اساس متغیرهای کلیدی تجربه

اشتراکات		عوامل مورد آزمون
استخراجی	اولیه	
۰.۸۵۴	۱.۰۰۰	ارائه تحلیل‌های آماری از ابعاد نتایج طبقه‌بندی شده
۰.۷۹۲	۱.۰۰۰	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۰.۸۸۵	۱.۰۰۰	ترسیم چارچوب از جنبه شکل‌گیری
۰.۸۹۱	۱.۰۰۰	ترسیم چارچوب از جنبه فرایندی
۰.۸۵۱	۱.۰۰۰	ترسیم چارچوب از جنبه محتوایی
۰.۸۸۱	۱.۰۰۰	ترسیم چارچوب از جنبه عملکردی
۰.۷۲۴	۱.۰۰۰	مهارت نویسندگی (شامل رعایت اصول ادبی، فنی و قدرت تبیین مصداق‌ها و عرصه‌ها)
۰.۸۰۳	۱.۰۰۰	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه
۰.۶۹۳	۱.۰۰۰	قدرت تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی‌گری
۰.۸۲۴	۱.۰۰۰	نشان دادن مرزهایی با روابط مشخص درون آن‌ها
۰.۶۱۸	۱.۰۰۰	گزاره‌های دارای شاخص‌های تجربی
۰.۷۸۴	۱.۰۰۰	امکان طرح فرضیه‌های آزمون‌پذیر
۰.۶۵۷	۱.۰۰۰	ملاحظات زیباشناختی، ایجاز و جدید بودن جوهره نظریه

از آنجا که تمامی اعداد به دست آمده در جدول فوق، بالاتر از عدد ۰.۵ می‌باشند، بنابراین عوامل مورد تأیید قرار گرفتند. در مرحله بعد اقدام به محاسبه توضیح واریانس عوامل گردید که در جدول (۱۱) نشان داده شده است. این جدول شامل سه بخش بوده که بخش اول آن یعنی مقادیر ویژه اولیه، تعیین‌کننده عامل‌هایی است که در تحلیل باقی مانده‌اند. بخش دوم، مربوط به مقادیر ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش می‌باشد. بخش سوم، نشان دهنده مقادیر ویژه استخراجی با چرخش است. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، سه عامل «مفهوم‌سازی»، «تدوین چارچوب مفهومی» و «آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی» بیش از ۶۷ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را می‌توانند توضیح دهند. همچنین در چرخش عامل‌های باقی مانده، نسبتی از کل تغییرات که توسط این سه عامل توضیح داده می‌شود، ثابت است (بیش از ۶۷ درصد) ولی برخلاف روش بدون چرخش که در آن عامل اول درصد بیشتری از تغییرات (نزدیک به ۴۵ درصد) را تبیین می‌کند، در روش چرخش عامل‌ها، هر یک از آن‌ها نسبت تقریباً یکسانی از تغییرات را توضیح می‌دهند. به عبارتی، این ویژگی چرخش واریانس است که تغییرات را میان عامل‌ها به شکل یکنواخت توزیع می‌کند.

جدول ۱۱. واریانس عوامل

عوامل	مقادیر ویژه اولیه			جمع استخراجی مربع بارها			جمع چرخشی مربع بارها		
	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته
۱	۱۶.۱۲۵	۴۴.۷۹۲	۴۴.۷۹۲	۱۶.۱۲۵	۴۴.۷۹۲	۴۴.۷۹۲	۱۴.۳۲۲	۳۹.۷۸۳	۳۹.۷۸۳
۲	۶.۰۱۶	۱۶.۷۱۱	۶۱.۵۰۳	۶.۰۱۶	۱۶.۷۱۱	۶۱.۵۰۳	۶.۲۰۶	۱۷.۲۳۹	۵۷.۰۲۲
۳	۲.۱۱۲	۵.۸۶۷	۶۷.۳۶۹	۲.۱۱۲	۵.۸۶۷	۶۷.۳۶۹	۳.۷۲۵	۱۰.۳۴۷	۶۷.۳۶۹
۴	۰.۹۲۳	۲.۵۶۴	۶۹.۹۳۳						
۵	۰.۹۰۶	۲.۵۱۷	۷۲.۴۵۰						
۶	۰.۸۴۴	۲.۳۴۴	۷۴.۷۹۴						
۷	۰.۸۰۲	۲.۲۲۸	۷۷.۰۲۲						
۸	۰.۷۴۵	۲.۰۶۹	۷۹.۰۹۲						
۹	۰.۷۲۳	۲.۰۰۸	۸۱.۱۰۰						
۱۰	۰.۷۱۹	۱.۹۹۷	۸۳.۰۹۷						
۱۱	۰.۶۴۲	۱.۷۸۳	۸۴.۸۸۱						
۱۲	۰.۶۱۷	۱.۷۱۴	۸۶.۵۹۴						
۱۳	۰.۶۰۴	۱.۶۷۸	۸۸.۲۷۲						
۱۴	۰.۵۶۱	۱.۵۵۸	۸۹.۸۳۱						
۱۵	۰.۵۲۰	۱.۴۴۴	۹۱.۳۷۵						
۱۶	۰.۴۷۴	۱.۳۱۷	۹۲.۵۹۲						
۱۷	۰.۴۱۶	۱.۱۵۶	۹۳.۷۴۷						
۱۸	۰.۳۶۲	۱.۰۰۶	۹۴.۷۵۳						
۱۹	۰.۳۲۴	۰.۹۰۰	۹۵.۶۵۳						
۲۰	۰.۲۴۷	۰.۶۸۶	۹۶.۳۳۹						
۲۱	۰.۲۱۵	۰.۵۹۷	۹۶.۹۳۶						
۲۲	۰.۲۰۳	۰.۵۶۴	۹۷.۵۰۰						
۲۳	۰.۱۵۲	۰.۴۲۲	۹۷.۹۲۲						
۲۴	۰.۱۳۳	۰.۳۶۹	۹۸.۲۹۲						
۲۵	۰.۱۱۲	۰.۳۱۱	۹۸.۶۰۳						
۲۶	۰.۱۰۴	۰.۲۸۹	۹۸.۸۹۲						
۲۷	۰.۰۸۱	۰.۲۲۵	۹۹.۱۱۷						
۲۸	۰.۰۷۴	۰.۲۰۶	۹۹.۳۲۲						
۲۹	۰.۰۶۶	۰.۱۸۳	۹۹.۵۰۶						
۳۰	۰.۰۵۳	۰.۱۴۷	۹۹.۶۵۳						
۳۱	۰.۰۴۲	۰.۱۱۷	۹۹.۷۶۹						
۳۲	۰.۰۳۸	۰.۱۰۶	۹۹.۸۷۵						
۳۳	۰.۰۲۲	۰.۰۶۱	۹۹.۹۳۶						
۳۴	۰.۰۱۲	۰.۰۳۳	۹۹.۹۶۹						

ردیف	مقادیر ویژه اولیه			جمع استخراجی مربع بارها			جمع چرخشی مربع بارها		
	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته	جمع	درصد واریانس	درصد انباشته
۳۵	۰.۰۰۸	۰.۰۲۲	۹۹.۹۹۲						
۳۶	۰.۰۰۳	۰.۰۰۸	۱۰۰.۰۰۰						

جدول (۱۲) ماتریس اجزا را نشان می‌دهد که شامل بارهای عاملی (نمرات عاملی) هر یک از متغیرها در عامل‌های باقی مانده است. در اینجا هم، عامل‌ها را می‌چرخانیم تا تفسیرپذیری آن‌ها افزایش یابد.

جدول ۱۲. ماتریس اجزای اصلی عوامل

عامل‌ها	اجزا		
	۱	۲	۳
مفهوم‌سازی	۰.۸۴۱	-۰.۱۳۴	۰.۲۴۵
تدوین چارچوب مفهومی	۰.۸۳۲	-۰.۲۷۹	۰.۱۲۷
آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی	۰.۶۸۴	۰.۲۴۱	۰.۴۰۴
تحلیل و تلخیص نتایج	۰.۶۹۲	-۰.۱۳۲	-۰.۱۵۲
استخراج نهایی چارچوب مفهومی	۰.۶۱۵	۰.۱۲۲	۰.۱۳۱
تدوین نظریه	۰.۷۱۷	۰.۱۸۷	-۰.۱۳۲
مشاهده، نکته‌سنجی و ثبت اشارات تجربه	۰.۷۱۲	-۰.۲۱۴	۰.۱۹۱
شناسایی مفاهیم و عناصر کلیدی تجربه	۰.۶۱۷	۰.۱۷۳	۰.۱۳۹
بررسی علل وقوع رویدادهای مطرح در تجربه	۰.۷۸۲	-۰.۲۵۵	۰.۱۵۷
توصیف روابط و فرموله کردن مسئله(علل)	۰.۶۴۸	-۰.۲۰۵	-۰.۱۴۲
مشخص کردن محدودیت‌ها و شرایط	۰.۷۴۳	-۰.۰۸۴	۰.۱۲۸
تدوین مفاهیم	۰.۶۷۱	-۰.۱۹۲	۰.۱۴۲
تبدیل مفاهیم به عناصر سنجش‌پذیر قابل تأیید	۰.۸۳۰	-۰.۳۱۳	-۰.۰۳۵
تعریف نظری مفاهیم و پیوند میان آن‌ها	۰.۷۱۷	۰.۲۴۸	۰.۰۹۸
تعریف عملیاتی مفاهیم و پیوند میان آن‌ها	۰.۶۷۵	۰.۱۲۲	۰.۲۴۷
احصای فرضیه‌ها	۰.۷۱۰	۰.۲۰۵	-۰.۱۴۳
آزمون فرضیه‌ها	۰.۶۷۶	۰.۲۸۲	-۰.۳۴۲
گردآوری داده‌های کمی(شواهد)	۰.۷۲۷	۰.۱۲۵	۰.۱۰۶
ارتباط پژوهشگر با سطح ادراکی مفاهیم	۰.۶۴۱	۰.۱۰۷	۰.۲۷۲
تعیین و آزمون روابط تعریفی میان عناصر	۰.۷۱۸	-۰.۱۷۹	-۰.۱۶۸
تعیین و آزمون روابط ساختاری میان عناصر	۰.۷۴۹	-۰.۱۹۹	-۰.۱۰۴
تعیین و آزمون روابط سازوکاری میان عناصر	۰.۷۵۴	-۰.۱۰۸	-۰.۲۴۹
تلخیص طبقه‌بندی نتایج بر اساس متغیرهای کلیدی تجربه	۰.۸۹۲	-۰.۱۸۲	-۰.۲۳۷
ارائه تحلیل‌های آماری از ابعاد نتایج طبقه‌بندی شده	۰.۶۱۶	۰.۱۲۴	-۰.۲۷۲
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۰.۷۲۸	-۰.۱۷۳	-۰.۲۴۴

اجزا			عامل‌ها
۳	۲	۱	
-۰.۲۲۹	-۰.۳۳۱	۰.۶۰۷	ترسیم چارچوب از جنبه شکل‌گیری
-۰.۰۵۲	-۰.۴۳۵	۰.۶۲۱	ترسیم چارچوب از جنبه فرایندی
-۰.۱۸۳	-۰.۱۵۷	۰.۸۲۳	ترسیم چارچوب از جنبه محتوایی
-۰.۲۱۶	۰.۵۴۷	۰.۶۴۱	ترسیم چارچوب از جنبه عملکردی
-۰.۲۴۳	-۰.۲۲۲	۰.۷۸۲	مهارت نویسندگی (شامل رعایت اصول ادبی، فنی و قدرت تبیین مصداق‌ها و
-۰.۲۸۷	-۰.۱۲۸	۰.۷۲۱	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه
-۰.۴۱۳	-۰.۱۸۳	۰.۶۱۲	قدرت تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی‌گری
-۰.۱۸۶	-۰.۱۰۹	۰.۶۵۸	نشان دادن مرزهایی با روابط مشخص درون آن‌ها
-۰.۱۴۲	-۰.۰۸۹	۰.۷۳۵	گزاره‌های دارای شاخص‌های تجربی
-۰.۳۴۵	۰.۰۷۴	۰.۶۲۸	امکان طرح فرضیه‌های آزمون‌پذیر
-۰.۱۵۶	-۰.۲۵۱	۰.۷۰۹	ملاحظات زیباشناختی، ایجاز و جدید بودن جوهره نظریه
-۰.۲۴۳	-۰.۱۱۸	۰.۸۴۲	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه

جدول ۱۳. ماتریس چرخشی اجزا

اجزا			عامل‌ها
۳	۲	۱	
۰.۴۰۸	۰.۴۱۹	۰.۸۳۵	مفهوم‌سازی
۰.۳۲۲	۰.۱۰۷	۰.۷۱۴	تدوین چارچوب مفهومی
۰.۲۲۴	۰.۴۰۹	۰.۷۲۶	آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی
۰.۳۷۱	۰.۳۲۲	۰.۷۱۱	تحلیل و تلخیص نتایج
۰.۳۲۵	۰.۱۰۹	۰.۶۲۷	استخراج نهایی چارچوب مفهومی
۰.۱۷۲	۰.۳۲۱	۰.۶۴۵	تدوین نظریه
۰.۲۰۸	۰.۱۷۹	۰.۷۰۵	مشاهده، نکته‌سنجی و ثبت اشارات تجربه
۰.۶۵۶	۰.۴۰۵	۰.۳۵۳	شناسایی مفاهیم و عناصر کلیدی تجربه
۰.۱۷۵	۰.۲۶۱	۰.۷۲۷	بررسی علل وقوع رویدادهای مطرح در تجربه
۰.۱۲۹	۰.۲۴۲	۰.۶۳۴	توصیف روابط و فرموله کردن مسئله (علل)
۰.۳۲۶	۰.۱۲۸	۰.۶۴۹	مشخص کردن محدودیت‌ها و شرایط
۰.۴۴۹	۰.۱۷۹	۰.۵۹۲	تدوین مفاهیم
۰.۱۸۹	۰.۳۰۷	۰.۶۷۵	تبدیل مفاهیم به عناصر سنجش‌پذیر قابل تأیید
۰.۴۰۹	۰.۵۲۴	۰.۲۳۸	تعریف نظری مفاهیم و پیوند میان آن‌ها
۰.۶۳۸	۰.۲۵۶	۰.۳۰۴	تعریف عملیاتی مفاهیم و پیوند میان آن‌ها
۰.۲۶۷	۰.۸۲۱	۰.۲۲۵	احصای فرضیه‌ها
۰.۱۷۶	۰.۴۷۱	۰.۵۸۳	آزمون فرضیه‌ها
۰.۲۲۸	۰.۴۲۵	۰.۶۰۶	گردآوری داده‌های کمی (شواهد)
۰.۲۵۷	۰.۳۲۳	۰.۶۰۴	ارتباط پژوهشگر با سطح ادراکی مفاهیم
۰.۰۵۴	۰.۱۱۶	۰.۷۵۶	تعیین و آزمون روابط تعریفی میان عناصر

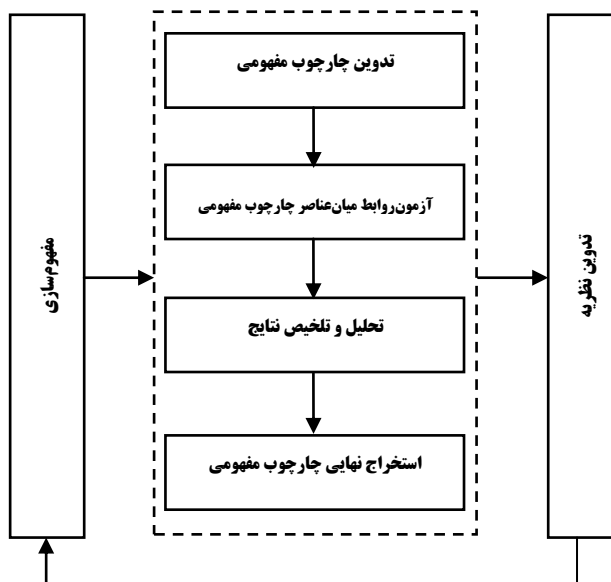
اجزا			عامل‌ها
۳	۲	۱	
۰.۴۳۴	۰.۸۰۲	۰.۴۲۵	تعیین و آزمون روابط ساختاری میان عناصر
۰.۴۲۲	۰.۳۲۴	۰.۷۶۱	تعیین و آزمون روابط سازوکاری میان عناصر
۰.۴۴۲	۰.۵۲۴	۰.۲۷۳	تلخیص طبقه‌بندی نتایج بر اساس متغیرهای کلیدی تجربه
۰.۳۷۲	۰.۴۲۳	۰.۶۴۲	ارائه تحلیل‌های آماری از ابعاد نتایج طبقه‌بندی شده
۰.۴۱۷	۰.۷۳۸	۰.۳۲۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۰.۴۵۲	۰.۱۲۳	۰.۶۰۹	ترسیم چارچوب از جنبه شکل‌گیری
۰.۱۱۶	۰.۳۰۳	۰.۶۹۵	ترسیم چارچوب از جنبه فرایندی
۰.۳۲۵	۰.۲۴۰	۰.۸۲۱	ترسیم چارچوب از جنبه محتوایی
۰.۰۳۸	۰.۳۲۱	۰.۶۷۳	ترسیم چارچوب از جنبه عملکردی
۰.۴۱۹	۰.۲۵۷	۰.۶۰۹	مهارت نویسندگی (شامل رعایت اصول ادبی، فنی و قدرت تبیین مصداق‌ها و
۰.۱۷۵	۰.۱۸۷	۰.۸۵۲	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه
۰.۳۴۰	۰.۱۲۷	۰.۶۲۸	قدرت تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی‌گری
۰.۴۷۲	۰.۳۱۳	۰.۶۷۵	نشان دادن مرزهایی با روابط مشخص درون آن‌ها
۰.۴۳۱	۰.۱۵۶	۰.۶۵۲	گزاره‌های دارای شاخص‌های تجربی
۰.۳۶۱	۰.۶۸۵	۰.۴۷۲	امکان طرح فرضیه‌های آزمون‌پذیر
۰.۷۳۲	۰.۴۴۶	۰.۱۲۷	ملاحظات زیباشناختی، ایجاز و جدید بودن جوهره نظریه
۰.۱۷۴	۰.۷۳۵	۰.۳۲۷	تدوین گزاره‌های واضح از روابط و یا مقایسه بین دو یا چند سازه

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به اینکه پدیده‌های سازمانی و مدیریتی دارای ماهیتی پیچیده و رفت‌وبرگشتی هستند، اهمیت مستندسازی تجربیات مدیران و علمی کردن یا به عبارتی دیگر، نظریه‌پردازی آن تجربیات، از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش با هدف تبیین الگویی بر مبنای شناسایی ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی با استفاده از تحلیل کمی و کیفی انجام شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل عوامل مربوط به فرآیند نظریه‌پردازی از طریق اخذ نظرات خبرگان و انجام تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد که ابعاد مؤثر نظریه‌پردازی تجربیات مدیران راهبردی در ایران عبارتند از: «مفهوم‌سازی»، «تدوین چارچوب مفهومی»، «آزمون روابط میان عناصر»، «تلخیص نتایج و تحلیل آن‌ها»، «استخراج چارچوب مفهومی برای تدوین نظریه» و «نوشتن نظریه» است که در بررسی میزان استفاده یا امکان استفاده از این ابعاد و شاخص‌های آن، نتایج حاصل از تحلیل عاملی مربوط به واریانس عوامل نشان می‌دهد که سه بُعد «مفهوم‌سازی»، «استخراج نهایی چارچوب مفهومی» و «آزمون روابط میان عناصر چارچوب مفهومی» به ترتیب با شاخص‌های مرتبط به آن‌ها شامل: «مشاهده نکته‌سنجی و ثبت اشارات تجربه»، «ترسیم چارچوب

از جنبه عملکردی» و «آزمون روابط میان چهارچوب مفهومی»، ۶۵ درصد از تغییرپذیری (واریانس) مربوط به متغیرها را می‌توانند توضیح دهند و با انجام چرخش بارهای عاملی به‌منظور افزایش تفسیرپذیری آن‌ها، نتایج حاصل از آن بیانگر تأیید شاخص‌های احصاء‌شده در بالا برای ابعاد حاصل از آن‌ها می‌باشد.

همچنین در بررسی میزان تأثیر (وزن) هر یک از این ابعاد و شاخص‌ها، نتایج حاصل از تحلیل مربوط به واریانس عوامل نشان می‌دهد که سه بُعد «تحلیل و تلخیص نتایج»، «استخراج نهایی چارچوب مفهومی» و «تدوین نظریه» به ترتیب با شاخص‌های مربوط به آن‌ها شامل: «تلخیص طبقه‌بندی نتایج براساس متغیرهای کلیدی تجربه»، «ترسیم چارچوب از جنبه عملکردی» و «قدرت تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی‌گری»، ۶۷ درصد از تغییرپذیری (واریانس) مربوط به متغیرها را می‌توانند توضیح دهند و با انجام چرخش بارهای عاملی به‌منظور افزایش تفسیرپذیری آن‌ها، نتایج حاصل از آن بیانگر تأیید شاخص‌های یادشده در بالا برای ابعاد حاصل از آن‌ها می‌باشد.



شکل ۶. الگوی فرایندی نظریه‌پردازی

پیشنهادها

با توجه به مطالعه انجام شده در این پژوهش و اهمیت نظریه‌پردازی تجربیات مدیران، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

- طراحی و تبیین الگوی اکتساب تجارب راهبردی مدیریتی با هدف در نظر گرفتن تمامی ابعاد، همچون زمان اتخاذ تصمیمات راهبردی گذشته (شرایط محیطی، وضعیت مدیر راهبردی، امکانات و منابع در اختیار، محدودیت‌های زمانی).

- ارائه الگوی (راهبردی) شناسایی حوزه‌ها، مؤلفه‌ها، ابعاد و شاخص‌های دانش راهبردی مدیران.

- طراحی و تدوین الگوی مستندسازی و اکتساب تجربیات نظام و طبقه‌بندی افراد با تجربیات راهبردی.

- مدل‌سازی ساختارمند روش‌های ارزیابی ایده‌ها و ادعاهای دانشی و تجربیات مدیران و بهبود و توسعه ابعاد و شاخص‌های به دست آمده در این پژوهش.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی؛ دربان‌آستانه، علیرضا (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات کیهان.
- امیری، مجتبی (۱۳۸۱). «تئوری و تئوری‌پردازی در مدیریت»، فصلنامه کمال مدیریت. شماره ۱.
- آرام، احمد (۱۳۷۲). واقع‌نگری به هدف علم، تهران: انتشارات سروش.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. مشهد: انتشارات مشهد.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۷). نظریه‌سازی در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۰). مدیریت دانش و دانایی، قم: نشر یاقوت.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۴). پویایی‌های سیستم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- خلیلی‌شورینی، سیاوش (۱۳۹۱). روش‌های پژوهش آمیخته (با تاکید بر بومی‌سازی)، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- دانائی‌فرد، حسن (۱۳۸۳). «تئوری‌پردازی در مدیریت و سازمان: ارزیابی سهم تئوریک مطالعات سازمانی»، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۶۶.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۴). کندوکاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشارات تهران.

ب) منابع انگلیسی

- Alexander, Jeffery C, (1978). Twenty lectures: sociological theory science word war, Columbia university press, new York.
- Dubin, R., (1978). Theory building in Applied area. In M.D. Dunnette (ED), Handbook of industrial and organizational psychology (DD.17-39). Chicago Rand Mc Nally.
- Lynham S, (2002). The general method of applied thory building research, Advances in Developing Human Resources, Vol.4, No.3.
- Paul R. Carlile & Clayton M. Christensen, (2004). The Cycles of Theory Building in Management Research, working paper, October 27, Version 5.0.
- Reynolds P.D., (1971). A primer in theory construction; New York, Macmillan.
- Van de ven, A.H: Engaged scholarship, (2007). A guide for organizational and social research; London: oxford university Press.